



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

طبیعت تحریریه موسسه در راه حق

# جوانان و ازدواج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ازدواج برای جوانان لازم است چرا؟

نویسنده:

هیئت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ازدواج برای جوانان لازم است چرا؟
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	چرا دختر باید ازدواج کند؟
۲۲	ازدواج لازمه «زندگی» است؟
۲۸	ازدواج ضامن «امنیت جامعه» است؟
۳۲	سایر ثمرات ازدواج
۳۸	درباره مرکز

## ازدواج برای جوانان لازم است چرا؟

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ازدواج برای جوانان لازم است چرا؟ / [تدوین هیئت تحریریه موسسه در راه حق ]

مشخصات نشر : قم : موسسه در راه حق ، 1377.

مشخصات ظاهری : ص 32

شابک : 964-6425-55-01000ریال

یادداشت : فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

یادداشت : عنوان روی جلد: جوانان و ازدواج .

عنوان روی جلد : جوانان و ازدواج .

عنوان دیگر : جوانان و ازدواج

موضوع : زناشویی (اسلام)

موضوع : جوانان

شناسه افزوده : موسسه در راه حق . هیات تحریریه

شناسه افزوده : موسسه در راه حق

رده بندی کنگره : 17/230BP/الف/416 1377

رده بندی دیویی : 297/4832

شماره کتابشناسی ملی : م 78-8785

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قربانی

ص: 1

اشاره

ازدواج برای جوانان لازم است چرا؟

مؤسسه در راه حق

تیراژ: 4000

چاپ اول 1377

چاپ خانه سلمان فارسی

قم - خیابان آیت الله نجفی کوچه شماره 20 مؤسسه در راه حق

مؤسسه در راه حق 1377

ص: 2

( بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ )

## چرا دختر باید ازدواج کند؟

چرا؟ چون دختر، بنا به لطف و حکمت الهی خیلی زود تر از پسر شخصیت انسانی به «بلوغ» می رسد و به آرامش و تعادل روحی عمیقی دست می یابد و تجلی گاه زیبایی های الهی می شود.

شاید غالب دختران ندانند که صورت معصوم و چشمان نکته سنج و اندام ظریف شان، و از این ها مهم تر، حجاب و عفت و حیا و متانت و فروافتادگی نگاه شان، خرامان راه رفتن و وقار زیبای آنان، و هر کلام و حرکت و نگاه شان، سرشار از چنان جذابیت سحر آمیزی است که هر مرد خشن و بی احساس را تحت تأثیر قرار می دهد.

چرا این همه خاصیت و جذابیت و زیبایی و فریبتی فریبندگی، هم چون «امانت» به زن سپرده شده است؟ آیا برای این که عروسک باشد؟ وسیله تبلیغات اجناس تجاری باشد؟

ص: 3



وسیله هرزگی مردان بی عشق و هوس ران، و یا وسیله فحشاء فساد باشد؟ یا با عنوان های گوناگون، پرکننده خلأ عاطفی و شهوانی مردان در ادارات و شرکت ها، و وسیله جذب مشتری در فروش گاه ها و آژانس ها باشد؟

آیا این همه سرمایه، ممکن است برای خدمت کاری باشد؟ آیا زن مجاز است این توانائی های زیبا و جذاب و شوق انگیز را و لیاقت کلید داری بهشت را - که خدا به او بخشیده، و مرتبه وجودی او را بالا تر از بهشت قرار داده است - در مشاغل مردانه و لا به لای کارها و رفت و آمد های خسته کننده و در داد ستد های مالی و انواع نا ملایمات، تلف کند و خشونت، خستگی، اضطراب، افسردگی، سردی، رخوت و پیری زود رس را بپذیرد؟

یا این که نه این توانمندی ها، گوهر های گران قدر و امانت های مهمی هستند که تنها «زن» لیاقت داشتن آن ها را یافته است تا مأموریت ویژه ای را انجام دهد؟ مأموریتی همانند رسالت

ص: 4

این مسئولیت عظیمی است که زن با زیبایی های جذاب و خردمندانه، و گرمی نوازش و محبتش، و کلام بی نیش و دل نشین خود، همسر، فرزند و خودش را، و حتی خویشاوندان نزدیک خود را از خود باختگی، هرزگی، بیهودگی، بی ایمانی و بی نشاطی، انواع افسردگی، فرو افتادن به جبهه باطل، غرق شدن در منجلاب شهوات، رفاه طلبی و تجاوز به حریم دیگران حفظ کند، و خانواده را حول محور تجلیات الهی خود هوشیار و وظیفه شناس نگه دارد تا از سردی حوادث سرما نخورند، و از گزند مشکلات زندگی دل مرده و افسرده نباشند و از سختی کار و تلاش و سازندگی و مبارزه از پا نیفتند، و با بی انگیزه شدن و وسوسه دشمن دوست نما، به پرتگاه نفاق و خود فروشی و خیانت به میهن، سرنگون نشود، و در باتلاق رشوه و چاپ لوسی و ریاء گرفتار نشود، و به انواع اعتیاد مبتلا نگردد. که اگر چنین شود، قبل از همه امنیت خود زن به خطر می افتد.

واقعاً این همه مراقبت و تأثیر گذرای تنها از مقام «زن» بر می آید. و چه حکیمانه فرموده اند که : « زن، مربی جامعه است.» و «زن، انسان پرور است.» و «مرد از دامن زن به معراج می رود».

این تنها «زن» است که می تواند فوران آتش هوس های عقل بر اندازد یک مرد را مهار کند و چراغ عشق را در جان او بر افروزد. عشق به زندگی، به خلایق، به پایداری، به پاکی، به خوبی ها و به معنویت و نشاط، و عشق به هر جلوه حق را که را؛ که اگر چنین نشود و آن آتش شهوت مهار نشود، زن و مرد، و تمام جامعه را در ابعاد مختلف به آتش می کشد و آرامش را برای همه غیر ممکن می سازد.

«زن» آینه ای است که پاکی و شفافیت او زمانی اثبات می شود که بتواند زیبایی صفات انسانی، شکوه ایمان و معنویت قداست بندگی خدای یگانه و عزت اطاعت از اولیاء حق را برای همسر و فرزندان به زیبایی بنمایاند و آنان را به

آراسته شدن به این فضائل، و زدودن جهل، تبلی، تکبر، ظلم، کفر، شرک و هر پلیدی تشویق نماید، و با مهربانی و جذابیت های خود و با تسخیر قلب همسر و فرزند آنان را در مسیر عقل و شرع چنان هنر مندانه و گرم مراقبت نماید که بتوانند حلاوت پیمودن راه حق را بنوشند و برای هجرت از تعلقات دنیایی و عروج و تقرب به سمت کمال مطلق، سرشار از اشتیاق شوند. زن می تواند این را بیابد که انسان سازی و پاس داری از انسانیت همسر و فرزند هنری بسیار ارزشمند تر و زیر بنایی تر، و در پیش گاه الهی مطلوب تر و در امنیت و رشد جامعه مؤثر تر است از این که در جنگ شرکت کند، و یا به کار های خدماتی و غیر ضروری که در توان مردست مشغول شود. کدام عنوان برای زن زیبنده تر، و در عبودیت حضرت حق خوش بوتر از «همسر» و «مادر» بودن است؟

زن، با هنرمندی های خاص خود می تواند از درون، مرد و فرزندان جامعه را به بالندگی و شکوفائی سوق دهد

ص: 7

با زیبایی های خود در دل شان ایمان بکارد، و در واقع در بیش ترین صحنه های زندگی حضور داشته باشد و عبودیت را در آنان باغ بانی کند، و با کمند مهربانی هایش خانواده را در هر بحران اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و نظامی حول محور حق حفظ کند .

زن، سر چشمه وجود پیامبران، اولیاء، علماء، قهرمانان و شهداء است. شجاعت مولا علی (صلوات الله علیه)، صلح خرد مندانه امام حسن و حماسه عاشقانه امام حسین (صلوات الله علیهما)، پرچم داری و افشاگری های نفاق بر انداز بانوی بزرگ، زینب کبری (سلام الله علیها)، همه جلوه هایی از کوثر وجودی زهرای مرضیه (صلوات الله علیها) است. و او خود گلی از بوستان پر برکت خدیجه کبری (سلام الله علیها) می باشد.

پس خاتم همه انبیاء (صلی الله علیه و آله) درست می فرمایند که: «بیش ترین خیر و خوبی، در بانوان است.» و «برکت» در زنان است. پس لازمه ساختن انسان و اصلاح

ص: 8

جامعه، گرمی و نشاط مردم، انگیزه دار شدن جوانان، معنویت یافتن و آماده شدن برای پیکار با زشتی های و بدی ها ستم ها و اعتیاد ها و عامل اصلی هر پیشرفت و رشد و سازندگی و اعتدالی، ازدواج هنر مندانه و «جهت دار» دختران پاک و مومنی است که به نقش جذاب زیبا و فریبنده «جمال ظاهری و باطنی» خود پی برده باشند و این همه سرمایه را تجلی اراده حکیمانه خداوند مهربان، و امانتی گران بها برای «به بند جمال یگانه محبوب هستی کشیدن مرد» تلقی نمایند و این مأموریت و رسالت الهی خود را باور کنند، و آن را به عناوین «غرب پسند» که جامعه را به بند شیطان و فساد می کشاند ترجیح دهند.

اگر چنین نشود، و زن امانت های خود را در جهت حق و شرع مسئولانه، به کار نگیرد، نه تنها پسران و مردان و کل جامعه را فحشا و فساد و تباهی و ابتدال فرا می گیرد، که خود زن نیز به عروسکی یا کالایی و یا موجودی بی ارزش خود

ص: 9

فروخته، مبتدل، تهی و فاسد تبدیل می شود و در منجلاب هوس و افسردگی، خیلی زود از خود و زندگی بی زار می شود.

بزرگی و کوچکی زن در تلقی او از خودش تعیین می شود؛ اگر خود را طفل و طفیلی بداند، همه چیز زندگی برایش عروسک و اسباب بازی و سرگرمی می شود و خود اسباب لذت و سود جوئی افرادی حقیر خواهد شد. و اگر بالغ و رشید و خردمند باشد، زنان و مردانی بزرگ چون هاجر، حلیمه، آسیه، مریم، خدیجه و پیامبر و امام و خمینی می پرورد، و یا در رشادت و موفقیت هر مرد وزنی و هر شهید و مبارز و سر دار و قهرمان و رهبری، و در رشد هر فرزندی سهیم می شود و در قلب همه حضور خواهد داشت. فتبارک الله احسن الخالقین.

چرا «پسر» باید ازدواج کند؟

پسر پس از بلوغ، به طور طبیعی سرشار از تمایلات غریزی و نیازمند روابطی دوستانه و محبت آمیز، و مشخصاً متوجه

ص: 10

جنس مخالف خود می شود. و غالباً به تنهایی نه در مراقبت از تمایلات سرکش و شهوانی خود تواناست و نه در رشد استعداد های اجتماعی خود می تواند فردی عمل کند. لذا در تنهایی، اغلب دچار فشار ذهنی شدید و بی حوصلگی است و در اقدام به هر کاری زود خسته و بی انگیزه می شود و او می ماند خلاء و کمبود و نقصانی را در خود احساس می کند و میل به کمال جوئی، او را می دارد تا در جست جوی رفع نقص خود باشد، و تکیه گاه و مشوقی را می جوید که در درون او حضور یابد، و احساس تنها بودنش را از درون بر طرف کند. مشوق تلاش او باشد، صبورانه به او مهر بورزد، خشونت و خشگی و بی حوصلگی و تردید او را هنر مندانه درمان کند، او را از ضعف ها و شکست های «گذشته» نجات دهد و راه ترقی را برایش ممکن سازد.

پسر جوان به شخصی نیاز دارد که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاهش، و کلام پر مهر و جذاب، و نوازش های



پرستارانه اش او را در مواجهه با سردی ها و تلخی ها و نا ملایمات زندگی امید ببخشد و انگیزه علمی، کاری، سازندگی، اخلاقی، اجتماعی و عبادی و حماسی را در او برانگیزاند و با انواع کسالت و تنبلی او هنر مندانه مبارزه کند و در بر داشتن «میم» از ابتدای مشکلات همت و توانمندی هایش را شکوفا سازد و مرهمی بر درد های جسمی و روانیش باشد هر چند وجود عزیز مادر برای جوان بسیار ارزشمند است و مصاحبت با او و یا خواهری مهربان تسکین دهنده لحظات بحرانی است اما نیاز پسر، محرمیتی بالا تر از خواهر و مادر می طلبد.

پسر در جستجوی ستاره ای در آسمان زندگی است که امید و لذت زنده بودن را به او الهام کند و به فرشته ای نیازمند است که با زمزمه های بی کلام و دل چسبش، «وحی» را، و تداوم رسالت انبیاء و اولیاء الهی را به او پیوسته یاد آوری کند. آینه ای شفاف برایش باشد تا بتواند شخصیت خود را در او بیابد سنگ

ص: 12

صبور راز و نیازش، و ارضاء کننده خواهش های روحی و جسمی اش باشد تا آرامش پیدا کند، و برای مراحل بعدی و امتحانات پیوسته زندگی آماده شود.

پسر دارای توان مدیریت، و نیروی لازم برای کار های سخت خدماتی، صنعتی، کشاورزی و دفاعی است، اما مناسب ترین عنوانی که می تواند خردمندی های مدبرانه و توانائی های مردانه او را به تجلی درآورد، عنوان همسر و «پدر» بودن است.

جوان با پذیرش پیمان ازدواج و با مورد اعتماد قرار گرفتن پیوسته احساس ارزش مندی می کند و شخصیتش تثبیت می شود. خود اتکانش روز افزون می گردد و او را نسبت به اداره بهتر خانواده و احساس مسؤولیت بیشتر در مسائل اجتماع، مشتاق تر می سازد. این تحول، به تدریج از هرزگی، بی برنامهگی، بی بند و باری؛ هزینه های اضافی، مصرف های بی رویه، بی جهتی و در لاک فردیت فرورفتن او می کاهد. (البته اگر ازدواج عاقلانه و اسلامی صورت پذیرد قطعاً چنین خواهد شد).

ص: 13

مرد همسر دار، در هیچ غروبی دلش نمی گیرد. در روز تعطیل در کنار همسر و فرزندان و دو مجموعه از خویشاوندانی که با این ازدواج بهم پیوند خورده اند، نمی تواند تنها و بی کار و بی حال بماند تا افسردگی، نشاط و جوانیش را تاراج کند.

پسری که لیاقت و هنر همسر بودنش را مردانه از خود بروز می دهد، موظف می شود به جای ابن الوقتی و تابع شرائط محیط بودن هنر آینده نگری، و برنامه داشتن برای هر موقعیت را بیاموزد و خانواده اندوزد و در دخل و خرج و مصالح خانواده نظارت دقیق عقلی و شرعی داشته باشد. و این در صورتی ممکن می شود که با همسرش قبلاً در زمینه خرید، پذیرائی، میهمانی، نحوه تغذیه، پوشاک و نگه داری لوازم منزل آرایش و زینت، محل و اندازه مسکن، و سایر مواردی که در کم نمودن هزینه، و افزایش یا پس انداز در آمد مؤثر است، محترمانه و منطقی گفت گو کند تا به تفاهم برسند.

از جمله برکات و زیبایی های ازدواج اینست که در بستر

ص: 14

عواطف انسان ساز و هم کاری های دل سوزانه زن مرد انگیزه و ضرورت هم کاری با دوستان نیازمند را در زمینه های درسی، علمی، شغلی، مالی، سیاسی مشاوره ای می یابد و رفته رفته عنایتش به ایتم و فقراء و درد مندان و زخم دیدگان متجاوزین جهانی و خلاصه دغدغه های اجتماعیش بیشتر می شود.

لذا پیامبر (اکرم صلی الله علیه و آله) فرمودند: « مرد همسر دار، پیوسته در حال جهاد است.»

او هم واره مراقب رفتار و اخلاق خود است تا مبادا روح لطیف و زیبا و حساس هم سرش آزرده شود و همین مواظبت و توجه به «رضایت منطقی» همسر، بهترین، زمینه جلب عنایت حیات بخش رضای الهی را فراهم می آورد و فضائل را گسترش می دهد و رذایل را نابود می سازد و اسباب رحمت و برکت را فراهم می کند.

پس، همسری یعنی مراقبت دائمی برای منحرف نشدن، عقب نماندن، بهتر شدن، محبوب ماندن، پویا تر و پر شور و

ص: 15

نشاط شدن، و اسباب تحول خانواده و خویشان و دوستان و ملت و امت خود را فراهم آوردن، به عبارت دیگر مرد همسر دار پاس دار امنیت و ارزش های خود و خانواده بزرگ جهانی خود است.

چنین فرد خود یافته و وظیفه شناسی نسبت به رفت و آمد ها، دید و بازدید ها، ابهام و کدورت ها و غیبت و تهمت و و سخنان زشت و نیش دار و تمسخر آمیز، و ایراد های نا به جا، دخالت های غیر مجاز (که معمولاً در لفافه محبت و دل سوزی ابراز می شوند)، کینه، قهر، لقمه ها و معاشرت های حرام، بیماری های خفیف و پنهان جسمی و روانی... بی احساس و بی تفاوت نیست. و این همه، هنر مدیریت مرد را توسعه می دهد و او را در مدیریت سالم و اسلامی اجتماع کار آمد تر می سازد. بنا بر این تعادل و آرامش و نشاط و تعالی و رشد همه جانبه یک پسر تنها در ازدواجی خرد مندانه و اسلامی ممکن است.

ص: 16

## ازدواج لازمه «زندگی» است؟

چون انسان زنده است و باید زندگی کند و زندگی بدون شریک امکان ندارد.

لطف خدا است که می تواند ما را به وجود آورد به خروش آورد. بر سر شوق آورد. و حیات و زندگی بیخشد. و «همسر» بهترین و مناسب ترین «نشان لطف خدا» است.

درست است که هر چیزی نشان از کوی آن محبوب یگانه و آن حی قیوم را همراه دارد و گاهی چشمک زدن ستاره ای امید را درون دلی خسته از تپش، می افزوزد، اما آن که گرمی و قدرتش تحمل هر شرائطی را ممکن می سازد همسری است زنده دل که بتوان از او زندگی گرفت و به سمت بی نهایت پاکی و زیبایی و قداست و حیات طیبه پر کشید و پرواز نمود.

شاید بگوئید افرادی که ازدواج نمی کنند هم زندگی دارند در ظاهر چنین است، ولی می دانید انسان تنها موجودی است

ص: 17

که دو «من» دارد:

1- من غریزی نا خود آگاه ولی خود خواه 2- من فطری خود آگاه اما دگر خواه .

آن روی غریزی و حیوانی ما در اوج بیهوشی و اختلالات روانی هم برای خود زندگی می کند. در خوردن و تن پروری و انجام کار هایش، نوکر، کلفت، پرستار و خدمت کار می خواهد در حالی که آن روی فطری و انسانی ما تنها در شرایطی خاص شکوفا می شود. و برای رهایی از برون گرایی های غفلت آور به آینه ای پاک نیازمند است تا عظمت و زیبایی های خود را در آن بیابد. مانند ورزش کاری که با «حریفی همتا» خود را پرورش می دهد و «حرف های نهفته» خود را عرضه می کند، انسان نیز تنها با همسری شایسته می تواند آن نیم وجودی خود را بشناسد، باور کند و شکوفا نماید.

به عبارت دیگر یک زوج «دولنگه بار» هستند که «شریک» یک دیگر نامیده می شوند و وجود شان برای تعادل در حرکت

ص: 18

الزامی است و بدون شراکت نمی توانند کمال جوئی و حق طلبی خود را بروز دهند. ازدواج اسلامی، فصلی همیشه بهار، برای شکوفائی صورت انسانی انسان است .

هر جوان خود یافته و معتقدی می داند که از همان آغاز آفرینش آدم، جنگی عظیم و همیشگی در درون هر انسانی میان «غریزه» و «فطرت» او برقرار بوده و دو جریان «حق» و «باطل» از رفتار های دو گانه او در طول تاریخ به وجود آمده است که در هابیل و قابیل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون و تمام خوبان و بدان ظهور یافته است. ریشه تمام جنگ ها و بر خورد های انسانی در سطح جهان و منطقه و حتی در روابط خانوادگی، همین گرایش های دو گانه درون انسان می باشد.

متأسفانه جبهه باطل از «غفلت افراد در هر لحظه» برای تقویت و توسعه خود بهره می برد، و مردم فراوانی از نژادها، و گروه ها و از سطوح مختلف چه زن و چه مرد، چه پیر و چه جوان را با جاذبه های دروغین فریب می دهد و اسباب لغزش و

ص: 19



سقوط آنان را فراهم می آورد، به سوی خود می کشد و آنان را از خردمندی و حق جوئی و سعادت حقیقی غافل و منحرف می سازد. نفسانیت، هوس، شهوت و حیوانیت را هر لحظه در آنان به فوران در می آورد تا از رفتار طبیعی و انسانی، به رفتار های مصنوعی و تقلیدی؟ و ادا شوند.

لذا بیشترین بودجه و توان کشور ها و خانواده ها، صرف انواع رفاه طلبی های کسل کننده و تجملات و سر گرمی های بیهوده و مواد مخدر و مخرب شخصیت انسانی می شود و یا برای مقابله با انواع افسردگی ها، اضطراب ها، هیجان های تهاجمی و بیماری های جسمی و جنسی و رفتاری و مسائل جانبی آن هدر می شود.

اما جبهه حق با این که همواره از حمایت دستی غیبی و حکمت بالغه و قدرت حکیمانه ای برخوردار است و این اعتقاد عقلی و قلبی وجود دارد که پیروزی نهایی در همه جا با حق و مظاهر حق خواهد بود و بالاخره چه در فرد و چه در اجتماع،

ص: 20

خرد ورزی و فطرت گرایی عشق به معنویت و حق جوئی، پاکی و زیبایی بر غرائز و شهوات و وابستگی های مادی و دنیایی و پلیدی و زشتی غلبه خواهد یافت، و انسانیت بر حیوانیت مسلط می شود، با این وجود آن تلاش لازم و کوشش و کافی و آن دغدغه «غریب مشتاقی» که از تقرب و «لقاء» و ملاقات حضرت دوست و یگانه محبوب هستی دور مانده است، از این جبهه به چشم نمی خورد و لذا آن عده و عده لازم برای تحقیق حکومت حق بر سراسر گیتی فراهم نیست.

در حالی که می شود چشم انتظاری تمام انبیاء و اولیا الهی (صلوات الله علیهم) و هزاران هزار شهید راه حق و به خصوص چشم انتظاری آن نازنین و آخرین حجت حق (که خداوند مهربان ظهورش را تسریع فرماید) را بفهمیم و بادرک مسئولیت و عزمی راسخ در زمینه سازی ظهور حق در جهان بکوشیم.

هر جوانی با پیوستن و یاری نمودن هر یک از این دو

جبهه در واقع درون خود را ابراز می کند و این که آیا حق گرائی فطری و خود باوری در او چقدر توانسته است در نزاع با غفلت و خود باختگی و بی ارادگی غالب آمده باشد، و آیا او عوارض این پیوستن به جبهه حق یا باطل را می پذیرد؟

جوان ما اگر غفلت کند و به اردوگاه باطل بیفتد او را به وادی از خود بیگانگی و بردگی می کشاند و اراده و اختیار و لذت زندگی انسانی را از او می گیرند هر چند به طور موقت شهواتش را ارضاء می کنند ولی از او ماشینی مصرف کننده و بی انتخاب و بی عاطفه می سازند. به طوری که بی احساس، در بوسنی و فلسطین و لبنان و کشمیر و صد کربلای دیگر هر جنایتی را مرتکب شود و یا در داخل کشورش به انواع خیانت و خراب کاری بپردازد، و یا حداقل همراه آنان در کنار مردم خود و نباشد و اما اگر آگاهانه و هوشیارانه جریان شفاف و زلال حق را «اختیار» نماید و بندگی عقل آفرین یگانه حکیم را بپذیرد، و بکوشد بر امیال خود خرد مندانه بند زند و به زیور

ص: 22

اندیشمندی و فضائل انسانی آراسته شود به چنان اوجی از خود باوری و خود اتکائی و آرامش و شور و نشاط روحانی می رسد که با دست خالی اما قلب و خردی فعال و روحی بلند و مرتبط با حقیقت هستی، در مقابل تمام دنیا خواهان می تواند بایستد.

### **از دواج ضامن «امنیت جامعه» است؟**

انسان تنها موجودی است که می تواند با پیوند های ارزشی و معنوی زندگی «اجتماعی» داشته باشد و «کثرت» را در عظمت «وحدت» به ظهور در آورد.

و خانواده به عنوان «واحد اجتماع» تنها جایی است که «فرد» در گرمی عواطف خرد مندانه و خردمندی محبت آمیز، از خود سری و تک روی رها می شود و قانون شناسی و قانون پذیری می آموزد، و رعایت مقررارت و حرمت ها و حریم ها را تمرین می کند و مدرک «ادب» می گیرد و برای پذیرش

ص: 23

مسئولیت های اجتماعی به طور آگاهانه و ارادی و داوطلبانه آماده می شود و زمینه قهرمانی و افتخار آفرینی و سازندگی و فداکاری در او شکوفا می گردد.

تاریخ بشریت از مطالعه و مقایسه افراد بی هویت و بی خانواده با افرادی که در دامن پر مهر خانواده پرورش یافته اند، تجربه های فراوانی دارد تا آن جا که خانواده را نهاد بی جایگزین می دانند.

و اما چرا بسیاری از افراد با خانمان قانون شکن، بی ادب، منزوی و اجتماع گریز هستند؟ شاید مهم ترین عاملش این باشد که برخی از پدران و مادران در ازدواج با هم «ترکیب» نشده اند و به صورت دو فرد خود سر به «با هم بودن» اکتفا کرده اند و خود را به پیوند های عاطفی و انس ورزی خردمندانه ملزم نساخته اند. اینان با ابراز خود خواهی ها و انواع تحلیل های غلط و بر خورد های غیر منطقی و ایجاد فضایی سرد در خانواده، تخم نفرت و کینه علیه ازدواج را در دل جوانان می کارند و

ص: 24

نا خود آگاه این شکوفه های زیبای طبیعت را با تأخیر در ازدواج شان به انواع ابتذال، انحراف، افسردگی و بی زاری از زندگی و در نتیجه قانون گریزی سوق می دهند.

بنا بر این هر فردی که ازدواج نمی کند، چون به نحوی در گسترش فحشا و فساد و افسردگی «خود» و «زوج همتای خود» موثر است، نه تنها مانع اجتماعی شدن خود و او می شود که سلامت جامعه را نیز تهدید می نماید و به همین خاطر عوامل استکبار جهانی از این تأخیر در ازدواج استقبال می کنند و خرسند می شوند.

اما بر خلاف بد اندیشان جاهل و جاهلیت جهانی، خداوند مهربان و دوست دار جوان، نکاح و ازدواج را مورد عنایت خاص خود قرار داده است و بیشتر از هر نهاد و بنیادی آن را دوست می دارد و در کانون توجه و محبت خود قرار می دهد و به آن ارج می نهد.

هر نماز و عبادت و تلاش و حتی هر تنفس یک زوج در

ص: 25

امنیت اجتماع نقش بسیار ارزشمند و غیر قابل انکاری دارد و ارزش و ثواب آن با افراد مجرد قابل مقایسه نیست.

شما جوان پاکی که یا به زیور زیبایی های خردمندانه و یا به گوهر «خردمندی های زیبا» آراسته هستید، چه خوب است این واقعیت را بیابید که «فرد تنها» با تلاش هایی که انجام می دهد و امکاناتی که در زمینه های مختلف در اختیارش قرار می گیرد، یا پیل های به دور خود می تند و خود را اسیر می کند و طعمه هر شیطانی می شود و در غم تنهایی خود باختگی، اضطراب، دلهره و سلطه پذیری خود را گرفتار می کند و یا چنان قدرت لجام گسیخته ای را در زمینه های مختلف جسمی مالی سیاسی و غیره می یابد که به انواع قانون شکنی و سلطه گری تجاوز و بی رحمی و هرزگی و شهوت رانی دست می زند و سلامت اجتماع را به خطر می اندازد و تعادل و نشاط دیگران را نیز مختل می سازد.

بنا بر آن چه گفته شد و صد ها دلیل دیگر، «ازدواج» ضامن

ص: 26

## سایر ثمرات ازدواج

همان طور که هواپیما برای پرواز در آسمان و کشتی برای سیر در دریا به نیروی محرکه نیازمندند، و این قدرت را به نحوی از خارج دریافت می کنند هر انسانی برای پیشرفت و تکامل خود، و کسب تعادل و یا رضایت در «هر حال» به همتا و همسری مناسب محتاج است که مکمل او در این «جهت» باشد. این قانون جبری حکیمانه و شیرین برای همگان است، اما انسان گاهی آن را «آگاهانه» می پذیرد و با قدر دانی از این چشمه آب حیات جاودانه می نوشد و علاوه بر تعادل و نشاط تعالی و تقرب به بارگاه الهی را نیز می یابد و یا «نا آگاهانه» به آن «تن» می دهد و خود را از مواهب «دل نشینش» محروم می سازد و به انواع مشکلات بی درمان و تلخ مبتلا می شود.



«تعادل» در مجموعه باور های ذهنی و معنوی و احساسات روانی، و رفتار های جسمی برای تمام موجودات، و به خصوص برای انسان، در کشاکش زندگی و در ستیز با موانع و بحران ها و شرایط فریبنده و لغزنده و مهلک و در امان ماندن از افراط و تفریط یکی از مواهب ازدواج است.

«آرامش» در رو یا رویی با هیجان های گوناگون و فراوان (که به طور روز مره، از تغییرات و تحولات و حوادث خوشایند یا آزار دهنده ناشی می شود که این خود عامل بروز و تجلی بیشترین خرد ورزی ها و توانمندی های و جودی شخص می شود و همه زیبایی های انسانی و خدا دادی خود را به نمایش می گذارد) از آثار دیگر زوجیت و همسری است.

«رشد» به معنای «خود شکوفایی جهت دار و پیوسته». (هم چون بذر های زنده، هنرمندی و خلاقیت خود را در تبدیل نمودن خاک و کود و محیط به ساقه و گل و میوه و زیبایی و بوی خوش شکوفا نمودن) تنها در کانون گرم و با صفای

ص: 28

پیوندی خرد مندانه امکان پذیر است.

«حضور» واقعی در زندگی خود، حضور در لحظات شاد مسئولیت، تلاش و سازندگی، حضور در صحنه های افتخار آمیز پیکار حق، زیبایی، پاکی و سلامتی در مقابل باطل و زشتی و پلیدی و انواع بیماری جسمی و روانی و شناختی و حضور در معنویات و خردمندی و عواطف سرشار خانوادگی و خویشاوندان همگی از ثمرات ازدواج می باشد.

تنها با ازدواج می توان پیام و فرهنگ نسل خود را در فرزند به امانت سپرد و به آیندگان ابلاغ کرد، و در آینده حضوری مؤثر و همیشگی یافت.

فرزندانی که در دامان عواطف و محبت خرد مندانه خانواده خود باوری و شایستگی و ادب می یابند، بهترین تجلیات آرزوی دنیایی والدین و ریحانه های دل انگیز بهشتی آنان می باشند.

«تعادل، آرامش، رشد و حضور» برای جماد و گیاه و حیوان با جفت گیری تأمین می شود که تنها جنبه جسمی، غریزی،

ص: 29

مادی و دنیوی دارد اما انسان با نکاح و ازدواج ارادی و آگاهانه نه تنها در جنبه غریزی و جسمی بلکه بیشتر در ابعاد روحانی و معنوی و شخصیتی و اجتماعی خود به این زیبایی ها دست می یابد و از هر گونه ابتذال، غفلت، بی هوذگی، بی جهتی، بی بند و باری، تندروری و کندروی، هرزگی و انواع افسردگی و خود باختگی در امان می ماند و با هنر همسری و تمرین عشق ورزی مقدّس، لیاقت تقرب به بارگاه قدس یگانه محبوب هستی و ملاقات آن هستی و کمال مطلق را می یابد.

تنها ازدواج می تواند بالی قوی برای انسان عاشقی باشد که می خواهد در پاکی و زیبایی های شفاف، و در معنویت و انسانیت و ملکوت پرواز نماید.

غم تلخ تنهایی که در لحظات بحرانی، مشکلات زندگی، خستگی های کار و در بر خورد با ناکامی ها و موانع نشاط از درون و بیرون به سراغ فرد می آید و انواع افسردگی ها و اضطراب ها و احساس پوچی را بر او تحمیل می کند و او را در انجام

ساده ترین کارها بی حوصله و بی انگیزه و بی عشق می سازد، حتی نفس کشیدن را برایش مشکل می کند این غم جان کاه و مخرب، تنها با ازدواجی خرد مندانه و انسانی درمان می شود.

ازدواج صحیح می تواند با شور آفرینی های خود، زندگی و سفر تکاملی انسان را لذت بخش کند. خستگی را از تن افراد بگیرد و انگیزه پرواز و صعود و نشاط ببخشد و ترک علایق پست و باز دارنده دنیوی را برای هر زوج خود یافته و هنرمند ممکن نماید.

شما جوان عزیز، تجربه خواهی نمود که به فرموده حضرت امام صادق علیه السلام: «مردم در دنیا و آخرت به لذتی بالا تر از لذت زنا شویی بهره مند نمی شوند.»

بنا بر این ازدواج اگر خرد مندانه صورت گیرد، مبدأ بیشترین لذت های دنیوی و اخروی خواهد شد که مهم ترین آن ها لذت انس ورزیدن، یگانه شدن حضور یافتن در دیگری، گرمی حضور دیگری را در خود چشیدن، و از غم تنهایی و فردیت

رهیدن است چنین شخصی نمی تواند به انواع افسردگی که بسیاری امروزه از آن رنج می برند گرفتار شود و نمی تواند سرشار از زندگی و نشاط نباشد.

چنین دختر و پسر با حال و هم جھتی اگر در بر پایی کاخ زندگی، پیوند عقلی و قلبی بیابند، در هر شرایطی از زنده بودن خود رضایت خواهند داشت، و به امید لطف الهی شاداب و خوش بخت خواهند زیست. [\(1\)](#)

پایان

ص: 32

---

1- این نوشتار با کمی تصرّف از صفحه جوانان و روز نامه وزین جمهوری اسلامی نقل شد.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

